

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



«مدیریت سود»

Earnings management

«تهیه و نگارش: محمدرضا دهنوی»

پاییز ۱۴۰۲

- اسکات (scott): اختیار شرکت در انتخاب سیاست های حسابداری برای دستیابی به **اهداف خاص** مدیر
- فرن (fern) و همکاران: دستکاری سود توسط مدیر برای رسیدن به **سود مورد انتظار**
- هیلی و والن (healy&wahlen): استفاده مدیران از قضاوت شخصی در گزارشگری مالی

➤ گستالز و آماس (Gostals & amos): مدیریت سود عموماً دربرگیرنده محدوده وسیعی از اقداماتی است که بر سود اثر می‌گذارد و محدوده وسیعی از اقدامات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی واقعی تا اقدامات دفتری محضی را در برمی‌گیرد که فقط بر معیارهای حسابداری بخش سود تأثیر می‌گذارد

➤ شپیر (shipper): **دخالت عامدانه** در فرآیند گزارشگری برون سازمانی با هدف بدست آوردن برخی مزایای شخصی از سوی مدیران یا سهامداران.

➤ **Mechanistic hypothesis** – فرضیه مکانیکی

➤ **Efficient market hypothesis** – فرضیه بازار کارا

➤ **Proof theory** – فرضیه اثباتی

این فرضیه که در دهه ۱۹۶۰ ارائه شد، بیانگر آن است که گزارش های مالی منبع انحصاری تصمیم گیری می باشند و هیچ جایگزینی برای اطلاعات حسابداری وجود ندارد؛ اگر هم وجود داشته باشد، استفاده نمی شود. بنابراین استفاده کنندگان فقط از گزارش های مالی در جهت تصمیم گیری استفاده می کنند. طبق این فرضیه، استفاده کنندگان با انتخاب رویه های متفاوت حسابداری، گمراه می شوند. بنابراین، این فرضیه بر ناکارایی بازار اشاره دارد.

➡ فرضیه بازار کارا بیانگر آن است که **قیمت های بازار، تمام اطلاعات در دسترس را به طور کامل منعکس می کنند.** در شکل نیمه قوی بازار کارا گفته شد که بازار می تواند اثر تغییرات حسابداری تصنعی (مدیریت سود) را تشخیص دهد؛ لذا مدیریت نمی تواند بازار را به طور منظم گمراه نماید.

نظریه اثباتی، **انگیزه هایی به غیر از انگیزه های مرتبط با بازار سرمایه** را برای توضیح مدیریت سود مطرح می نماید. بدین منظور، نظریه اثباتی فرضیه های قبلی را نقض نمی کند، بلکه به جای آن بر استفاده از گزینه های متفاوت حسابداری بر انگیزه های قراردادی داخلی شرکت تاکید می کند. مطابق نظریه اثباتی حسابداری، از آنجایی که متغیرهای حسابداری مبنایی برای تصمیم گیری مربوط به تخصیص منابع، جبران خدمات مدیریت و اجتناب از نقض قراردادهای بدهی فراهم میکند، **مدیریت می تواند از طریق برآوردها و گزینش رویه های مختلف حسابداری، سود را مدیریت کند** و برنتایج و پیامدهای این تصمیم ها اثر گذارد. بدین ترتیب، نظریه اثباتی جهت گیری پژوهش های مدیریت سود را از آزمون انگیزه های مبتنی بر بازار سرمایه به سمت دلایل قراردادهای داخلی شرکت سوق داد.

انواع مدیریت سود

مدیریت فرصت طلبانه

مدیریت سود کارا

- افزایش بازده سهام
- تامین مالی بهتر
- افزایش قیمت سهام در عرضه نخستین
- عدم تخلف از قراردادهای بدهی
- انگیزه سیاسی
- کاهش مالیات
- اطلاع رسانی به سرمایه گذاران
- قوانین و مقررات

مدیریت سود

کارا

➤ افزایش پاداش

➤ اعتبار ، سرمایه انسانی و امنیت شغلی

➤ انگیزه های درون شرکتی

➤ تغییرات مدیران اجرایی ارشد

مدیریت

فرصت طلبانه

➤ نظریه چشم داشت

➤ نظریه کارگزاری

➤ نظریه پذیرایی

➤ نظریه حسابشویی

➤ نظریه علامت دهی

➤ نظریه های رفتاری

➤ نظریه بازی

➤ نظریه ذینفعان

➤ نظریه شرکت

نظریه های

مدیریت سود

➤ رویکرد اطلاعاتی (اسکیپر)

افشای حسابداری دارای بار اطلاعاتی است که علائم فایده مندی به ذینفعان مخابره می کند. بنابراین مدیران با اطلاع از این چشم داشت از مدیریت سود برای اهداف مورد انتظار ذینفعان استفاده می کنند.

➤ رویکرد ارزشی (بورگستر و دچاو)

ذینفعان ارزش یک شرکت را با توجه به یک مبلغ مرجع مانند سود استخراج می کنند و تغییر مثبت در سود به عنوان مرجع پاداش برای مدیران تلقی می شود و مدیران با مدیریت سود پاداش بیشتری دریافت خواهند کرد.

نظریه ی

چشم داشت

➤ رویکرد سهامداران (جنسن و مک‌لینگ)

تضاد منافع بین سهامداران و مدیران باعث می شود مدیران درصد مدیریت سود برای افزایش ثروت از طریق افزایش پاداش یا موقعیت شغلی بهتر باشند

➤ رویکرد ذینفعان (پرایور و ساروکا)

تضاد منافع مدیران به سایر ذینفعان تعمیم داده می شود و مدیران رابطه مثبتی بین مدیریت سود و مسئولیت پذیری اجتماعی پیدا می کنند.

نظریه ی

کارگزاری

نظریه ی حسابشویی

۱۵

➡ (جوردن و کلارک)

اگر شرکتی در یک سال سود پایین تجربه کند ممکن است سود را با **استحمام یا شستن دارایی ها** (تبدیل آنها به هزینه) کاهش دهد. **زاروین** معتقد بود مدیران جدید در زمان جایگزینی با مدیران قبلی این کار انجام میدهند که بعداً عملکرد خوبی از خود نشان دهند

➤ (راج گوپال و سیمپسون)

مدیران با متورم کردن **اقلام تعهدی** از خوش بینی سرمایه گذاران نسبت به سود پذیرایی می کنند. براساس این نظریه سرمایه گذاران اشتباهی بسیار زیادی برای سود غافلگیرکننده یا سورپرایز نشان می دهند و مدیران با متورم کردن ارقام تعهدی از این اشتها پذیرایی میکنند.

نظریه ی شرکت

➡ (رانن ویاری)

این نظریه درمقایسه با نظریه های دیگر مسلط وعام است. از منظر دیگر می توان گفت چون شرکتهای تولیدکنندگان و گزارشگران اطلاعات حسابداری هستند طبیعی است اهمیت سود از منظر نظریه ی شرکت مهم تر است. سنگ بنای این نظریه جدایی **مالکیت** از **کنترل** است.

- ➡ رویکرد هزینه قرارداد
- ➡ رویکرد تصمیم گیری
- ➡ رویکرد سیاسی قانونی

سه نظریه ی
شرکت

رویکرد هزینه‌ی قراردادهای اهمیت قراردادهای مدون و صوری را برجسته می‌کند. **سود و دیگر اعداد حسابداری** آماره‌های خلاصه‌ای به دست می‌دهند که برای طراحی قراردادهای اثربخش با ارزش‌اند. اما قرار دادهای در شناسایی و مشخص کردن رویدادهای آینده ناتوان هستند. وقتی یک رویداد پیش‌بینی نشده رخ می‌دهد طرف‌های قراردادهای ممکن است با قراردادهای قدیمی و تعدیل نشده با مشکل برخورد کنند و به دردسر بیفتند. در چنین وضعیتی سود از **وسیله**، به **هدف** تبدیل می‌شود و شرکتها ممکن است سود را برای تبعیت از ارقام مشخص شده در قراردادهای مدیریت کنند.

رویکرد تصمیم گیری سودها را به عنوان اطلاعات با ارزش برای تصمیم گیرندگان در نظر می گیرند. اگر همه ی ذینفعان کاملاً منطقی باشند مدیریت سود نمی تواند بدون اجازه ی صریح یا تلویحی سرمایه گذاران انجام شود. از این رو، یا مدیریت سود بی خطر است چون گزارش مدیریت شده حقیقت را بر ملا می کند، یا حقیقت را مخدوش می کند، اما خرابی حاصل، کمترین هزینه ی استنباط و بیرون کشیدن حقیقت است.

رویکرد سیاسی-قانونی اذعان می کند که **سهامداران ابزاری را برای کنترل اثربخش مدیران ندارند**. اعداد سوداندازه‌ی عملکرد با ارزشی هستند که فعالیت‌های شرکت را خلاصه می‌کنند و به سهامداران اجازه می‌دهند استفاده‌ی بهتری از مجموعه‌ی ابزارهای محدودشان بکنند. مدیریت سود در معنی خوب، فراهم آوردن نشانه‌ای برای ارزش آینده، ابزاری اثربخش برای پل زدن و برجیدن عدم تقارن اطلاعات بین مدیریت و سهامداران بدون ورود به جزئیات است. مدیریت سود به معنی بد، تخریب حقیقت، نتیجه‌ی حاکمیت ضعیف است

روش های مدیریت سود

(۱) مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری

در این حالت مدیر از طریق ارقام **تعهدی اختیاری** به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می پردازد.

انتخاب روشهای حسابداری مناسب برای دستیابی به سطح مطلوب و مورد نظر سود

(۱) انتخاب رویه حسابداری:

انتخاب رویه های حسابداری بر زمان بندی شناخت درآمد و هزینه و در نتیجه در محاسبه سود تأثیر می گذارد.

(۲) استفاده از رویه حسابداری / برآوردهای اختیاری

یعنی حتی بعد از اینکه مدیر شرکت رویه حسابداری را انتخاب کرد، هنوز این اختیار وجود دارد که چگونه اصول حسابداری به کار گرفته شوند.

روش ها

۲۳

۲) مدیریت واقعی سود

در این حالت مدیریت با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی و به عبارتی **دست کاری فعالیت‌های واقعی** به مدیریت واقعی سود روی آورده و به سود مورد نظر خویش دست می‌یابد.

زمان بندی و **یا میزان تصمیمات عملیاتی** برای دستیابی به سود مطلوب و مورد نظر

۱) زمان بندی رویه حسابداری

مدیریت اختیار دارد که چه موقع و چگونه رویدادهای حسابداری را شناسایی کند هنگامی که نیازمند افشا در صورتهای مالی هستند.

۲) زمان بندی های دیگر

زمان بندی خرید و تحصیل دارایی می تواند بر روی سود حسابداری تأثیر بگذارد.

۱. پاکسازی عمده (حساب شویی) **Big Bath**
۲. حداقل سازی سود **Income Minimization**
۳. حداکثر سازی سود **Income Maximization**
۴. همواری سازی سود **Income Smoothing**

الگوهای
مدیریت سود

زمانی از این الگو استفاده می‌شود که سازمان با نوعی بحران روبه‌رو شود یا دست به تجدید ساختار بزند. اگر شرکتی ناگزیر به اعلام زیان باشد، احتمالاً مدیر به این نتیجه برسد که بهتر است کل زیان را یکباره اعلام کند. او با اتخاذ چنین موضعی چیزی از دست نخواهد داد. در نتیجه مدیر تمامی مقادیر زیان را از حساب‌ها پاک‌کرده و کاهش ارزش دارایی‌ها را به طور کامل شناسایی می‌کند. به دلیل بازگشت ارقام تعهدی، این کار احتمال گزارش سود در سال‌های آتی را افزایش می‌دهد.

این روش نیز مشابه حالت اول است؛ اما به شدت کمتر. این الگو ممکن است توسط شرکت‌هایی که مورد توجه سیاسی هستند و سودآوری بالایی دارند مورد استفاده قرار گیرد. از جمله رویه‌هایی که به حداقل سازی سود کمک می‌کند می‌توان به **افزایش هزینه تبلیغات و مخارج و مخارج تحقیق و توسعه یا تسریع مستهلک کردن دارایی‌های سرمایه‌ای** اشاره کرد. این الگو را می‌توان منطبق با فرضیه هزینه‌های سیاسی یا فرضیه اندازه از مجموعه فرضیات تئوری اثباتی حسابداری دانست.

طبق تئوری اثباتی حسابداری، مدیران ممکن است **به قصد حداکثر سازی پاداش** خود اقدام به حداکثر سازی سود جاری کنند، مشروط بر اینکه رقم آن به بیش از رقم مورد نیاز برای دریافت سقف پاداش نرسد. ممکن است شرکت‌هایی که در معرض نقض مفاد قرارداد بدهی قرار دارند نیز سود خود را حداکثر کنند. همچنین می‌توان این الگو را منطبق با فرضیه طرح‌های پاداش و فرضیه قراردادهای بدهی از مجموعه مفروضات تئوری اثباتی حسابداری دانست.

هموار سازی سود، عملی آگاهانه از سوی مدیریت است و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری برای **کاستن نوسانات** **در سود** انجام می‌گیرد. در هموار سازی سود به واسطه جابه‌جایی که در درآمدها و هزینه‌ها انجام می‌گیرد، سود یک یا چند دوره مالی تغییر یافته و تعدیل می‌گردد.

پیامدها و هزینه های مربوط به دستکاری فعالیت های واقعی:

۳۰

هزینه های مدیریتی:

➤ (۱) هنگامی که مدیران سود را در جهت اهداف مورد نظر سود خود دستکاری می کنند، قراردادهای منعقد شده، شرکت را ملزم به دادن پاداشهای مالی بیشتری به مدیر می نماید.

➤ (۲) وقت و هزینه ای است که می تواند صرف فعالیت های مولد شود. دستکاری فعالیت های واقعی به طور همزمان هم می تواند منجر به کاهش عملکرد گردد و هم تعهدات مالی بیشتری را بر شرکت تحمیل نماید.

نظریه **روی چوده‌ری** (بررسی هزینه های عملیات و عملکرد کارآمد را که شرکتها به منظور گزارش سود بالا متحمل می شوند):

هزینه های دست کاری فعالیتهای واقعی شامل این امکان می شود که جریانهای نقدی در دوره های آتی به طور غیر مستقیم تحت تأثیر اعمالی باشد که در این دوره در جهت افزایش سود صورت گرفته است و منجر به کاهش عملکرد عملیاتی بلندمدت و لطمات جبران ناپذیری به شرکت گردد.



شرکتهایی که سود سالانه مثبت کم گزارش می کنند دارای **جریان نقدی عملیاتی پایین غیر عادی** و همچنین **هزینه های تولید بالای غیر عادی** هستند که حاکی از وجود شواهدی مبنی بر دست کاری از طریق فعالیت های واقعی است.

دست کاری فعالیت های واقعی:

(۱) دست کاری در فروش:

ارائه تخفیفات قیمت و شرایط اعتباری اعتباری آسانتر ← افزایش موقتی فروش
کاهش جریان های نقدی برای فروش

روى چودهري:

مدیران تخفیفات قیمتی ارائه می دهند تا از این طریق میزان فروش را ارتقا بخشند.

(۲) کاهش هزینه های اختیاری:

مخارج اختیاری عبارتند از: مجموع هزینه های تبلیغات، هزینه های اداری، عمومی و فروش که معمولاً در دوره وقوع به هزینه منظور می شوند.

کاهش مخارج اختیاری ← کاهش هزینه های گزارش شده دوره ← افزایش سود

۳) تولید بیش از حد (اضافه تولید):

اضافه تولید (تولید کالای مازاد بر میزان لازم برای فروش) ← کاهش
بهای تمام شده کالای فروش رفته ← افزایش سود ← بهبود حاشیه
سود عملیاتی

(مدیران زمانی تمایل به تولید بیش از حد دارند که
کاهش در هزینه های تولید بیشتر از هزینه های نگهداری
موجودی کالا در آن دوره باشد).

➤ **توماس و زانگ:** اگرچه اضافه تولید حاشیه سودآوری را بهبود می بخشد اما شرکت متحمل هزینه هایی میشود و سطح عادی جریانهای نقدی عملیاتی کاهش می یابد.

➤ **بار-گیل و بیچاک:** نشان داد که دست کاری فعالیتهای واقعی، هزینه های واقعی به دنبال دارد.

➤ **هوجارج و لیبی:** مدیران اغلب پروژه هایی را انتخاب می کنند که باورشان بر این است سود کوتاه مدت را به حداکثر خواهد رساند.

- مدیریت ارقام تعهدی نیز بدون هزینه نیست. کشف دست کاری ارقام تعهدی می تواند احتمال نیاز به بررسی های ویژه از جانب حسابرسان را به وجود آورد.
- همچنین ممکن است منجر به مجازاتهای مالی توسط جوامع حرفه ای قانونی، لزوم ارائه مجدد سود و بررسی موضوع در دادگاههای حقوقی شود.



تفاوت بین مدیریت ارقام تعهدی اختیاری و دست کاری فعالیت‌های واقعی:

➤ (۱) تفاوت اساسی بین این دو روش در زمانبندی مدیریت سود است.

ارقام تعهدی اختیاری: تا پایان سال منتظر مانده و از این ارقام استفاده می نمایند.

دست کاری فعالیت‌های واقعی: هر دست کاری در فعالیت‌های واقعی باید در دوره ای از سال به وقوع بپیوندد.

۲) دست‌کاری فعالیت‌های واقعی وسیله تغییر آرایش حساب‌ها نیست مدیران در این روش زمان انجام عملیات، زمان اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری و نحوه تخصیص منابع را تغییر می‌دهند.

۳) فعالیت‌های مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی هیچ پیامد مستقیمی بر جریان‌ات نقدی ندارند در حالیکه مدیریت واقعی سود بر جریان‌ات نقدی شرکت اثر مستقیم دارد.

(در این روش وجه نقد قربانی سود تعهدی می‌شود و مهم‌ترین ضرر آن از بین رفتن ارزش شرکت به دلیل کاهش جریان‌ات نقدی دوره آتی است).

➤ ۴) مدیریت اقلام تعهدی در سال وقوع نسبتاً مشخص است اما دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به آسانی قابل تشخیص نیست.

➤ ۵) حساب‌برسان و قانون‌گذاران کمتر متوجه تغییر رفتار فعالیت‌های واقعی می‌شوند.



نتیجه گیری

۴۰

اجرای مدیریت سود عواقب زیر را در پی دارد:

➤ مخدوش کردن اطلاعات جهت تصمیم گیری

➤ رسوایی های بزرگ مالی

➤ سلب اعتماد عمومی

➤ ورشکستگی

ابزار کنترل مدیریت سود:

➤ نظارت های درون شرکتی

➤ حسابرسی مستقل با کیفیت

➤ وضع استانداردهای حسابداری

مناسب

محرك های موثر بر مدیریت سود

یافته های یک پژوهش:

دکتر علی ثقفی - دکتر مهدی بهار مقدم - ۱۳۸۷

۴۱

ردیف	شرح محرك ها	ارتباط با مدیریت سود
۱	هرچه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بیشتر باشد	انگیزه برای برای مدیریت سود بالا تر است
۲	میزان مالکیت افرادی که افق دید کوتاهی به سرمایه گذاری دارند بیشتر باشد	انگیزه برای برای مدیریت سود بالا تر است
۳	عرضه عمده سهام	تاثیری ندارد
۴	هرچه پاداش مدیران بیشتر باشد	انگیزه برای برای مدیریت سود کمتر است
۵	کیفیت کار موسسات حسابرسی بالا تر باشد	مدیریت سود بیشتر است
۶	رشد شرکت بیشتر باشد	مدیریت سود بیشتر است
۷	اندازه شرکت	تاثیری ندارد

باتشکر از حسن توجه شما است و کرام
و دوستان را بزمند